

ره توشه‌ای از تدابیر حکیمانه، اغتنام فرصت‌ها

مصطفی آخوندی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

روزهای عمر، پرشتاب چون باد و برق و ابر بهاری می‌گذرد. فرصت‌ها نیز گاه با صدای بلند و گاه بی صدا جلوه می‌کنند و روی می‌بندند. انسان زیرک و مؤمن آن است که در کمین فرصت‌های نیک نشسته باشد.

عرصه‌های فرصت‌های خیر فراوان‌اند، تنها دقتی کوتاه و توجهی اندک، آنها را به ما نشان می‌دهد. مانند: جوانی، سلامتی، فراغت بال، موقعیت شغلی و مدیریتی و مانند آن. بهره‌گیری از فرصت‌های خوب شرایطی را هم می‌طلبد، از جمله توفیق الهی و نظم و انضباط در زندگی همچنین لازمه برداشت محصول خوب و سالم از مزرعه فرصت‌ها شناخت آسیب‌ها و آفات، و زدودن آنهاست، آفاتی مانند: غفلت، کسالت و تبلی، تسویف و یأس و ناامیدی. و ازگان کلیدی: فرصت‌ها، گذر عمر، عرصه‌ها، آموزه‌های دینی و آفات.

گذر فرصت‌ها

کوتاهی و زودگذری عمر، آدمی را در گذرگاه‌های حساس زندگی و سعادت وامی‌نهد؛ روز شمار تقویم و تیک تیک ثانیه‌ها و شمارش نفس‌ها، ساعات عمر انسان را به آهنگ رحیل فرامی‌خواند. پس از تولد با پشت سر گذاشتن دوران کودکی، نوجوانی و سالمندی به پایان خط نزدیک می‌شود. امام علی (ع) در کلامی زیبا فرمود:

مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ، وَ أَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ، وَ أَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَ أَسْرَعَ السِّنِينَ (السَّنَةِ) فِي الْعُمُرِ^۱

وہ! چگونه ساعات در روز، و روزها در ماه، و ماهها در سال، و سالها در عمر آدمی شتابان می‌گذرد!

گذر پرشتاب و بی‌بازگشت عمر چنان است که پیشوایان و بزرگان دین، آن را به ابرهای بهاری زودگذر، برق و باد، آب روان، شمشیر تیز و کاروان در حال حرکت تشبیه کرده‌اند:

وَالْفُرْصَةُ تَمْرٌ مَّرَّ السَّحَابِ فَانْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ.^۲

فرصت‌ها چون ابر می‌گذرد، پس فرصت‌های نیک را دریابید.

حافظ عمر را به گذر آب تشبیه ساخته است:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس!

آب روان در جویبار با صدای دلنشین به سرعت در حال حرکت به سوی مقصد است و هرگز باز نمی‌گردد؛ به تعبیر امام علی (ع):

فَأَنَّهُ لَا يُرْجَى مِنَ رَجَعَةِ الْعُمُرِ... وَ مَا فَاتَ أَمْسٍ مِنَ الْعُمُرِ لَمْ يُرْجَ الْيَوْمَ رَجَعْتَهُ، أَلرَّجَاءُ مَعَ الْجَانِي وَالْيَأْسُ مَعَ الْمَاضِي.^۳

عمر گذشته را نمی‌شود بازگرداند... آنچه دیروز از عمر گذشته، امید بازگشت آن نیست، به آینده امیدوار و از گذشته نا امید باشید.

مکن عمر ضایع به افسوس و حیف که فرصت عزیز است والوقت سیف

شهید مطهری در تبیین این بیت سعدی که عمر را به شمشیر تشبیه کرده، می‌گوید: در این کلام وقت و فرصت به مثابه شمشیر برنده‌ای است که اگر در اطاعت خداوند صرف نشود، با فوت و هدر رفتن تو را قطع (و هلاک) می‌کند.^۴

مقام معظم رهبری عمر و فرصت‌ها را به برق و باد همانند دانسته می‌فرماید: «عمر خدمت‌ها و عمر ما کوتاه است و مانند برق و باد این فرصت‌ها می‌گذرد».^۵

قطار زمان به سرعت در حال حرکت است، و انسان مسافری است که باید خود را به آن برساند. اولحظات عمر خویش فرصت دارد توشه‌ای اندوخته و وسایل سفر را آماده سازد. آنان که هوشمندانه با غنیمت شمردن فرصت‌ها خود را آماده کرده با خاطری آسوده و آرامش بر قطار سوار شده و به سوی مقصدی روشن حرکت می‌کنند، اما آنانکه غفلت ورزیده انگشت ندامت به دندان می‌گزند، کاشکی قیمت انفسا بدانندی خلق تا دمی چند که مانده است، غنیمت شمرند

شکار فرصت‌ها

فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شوند، می‌آیند و می‌روند، گاه با صدای بلند می‌آیند، و گاه آهسته در می‌زنند و گاه بی‌صدا گذر می‌کنند. اما موقعیت‌ها و فرصت‌های طلایی برای همه انسانها در طول زندگی‌شان پیش می‌آید که باید با تیزبینی و تیزهوشی در کمین نشست و مراقب بود تا به موقع شکارشان نمود.

امیر مؤمنان (ع) در سفارش به امام حسن (ع) می نویسد:

وَلَا كُلُّ فُرْصَةٍ تَنْصَبُ، وَرُبَّمَا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ قَصْدَهُ، وَ أَصَابَ الْأَعْمَى رُشْدَهُ.^۶

و چنان نیست که هر فرصتی دست یافتنی باشد، چه بسا که بینا به خطا می رود و کور و نابینا به

مقصد رسد. [چون انسان بینا دچار غفلت شده و نابینا فرصت‌ها را شکار کرده است.]

لذا قبل از دست دادن فرصت‌ها که غصه آور است و آدمی را کلافه می‌کند، باید به سفارش

امام علی (ع) گوش سپرد:

و بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً.^۷

پیش از آن که فرصت از دست برود، و اندوه و غصه سر برسد، از فرصت‌ها استفاده کن.

تأکید بر شکار فرصت‌ها در قرآن

در قرآن کریم خداوند پیامبرش را به کار و تلاش و از دست ندادن فرصت‌ها فراخوانده است.

فَإِذَا قَرَعْتَ فَانصَبْ.^۸

پس هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی، به مهم دیگر پرداز.

«انصب» از ماده «نصب» بر وزن نسب به معنای تعب و زحمت است. آیه بیانگر یک اصل

کلی و فراگیر است، و هدف آن است که پیامبر (ص) را به عنوان یک الگو و اسوه تلاشی مستمر و

پیگیر را در زندگی به او گوشزد کند. لذا می‌فرماید: «هرگز بیکار نمان، تلاش و کوشش را کنار

مگذار، پیوسته مشغول مجاهده باش، و با صید فرصت‌های طلایی، پایان کار مهمی را، آغاز کار

مهم دیگر قرار ده.»^۹

در این میان مؤمنان نیز به تبعیت از پیامبر خود، شکارچیان ماهر و زبردستی‌اند که

فرصت‌های طلایی را از دست نمی‌دهند. برای دستیابی به کمال در کمین لحظه‌ها و فرصت‌ها

نشسته‌اند. می‌خواهند مشک شوند و خوش بو و معطر. ماه مبارک رمضان، ماه شعبان، ماه رجب،

عبادات و خدمت به جامعه فرصت‌های ارزشمندی برای مؤمنان به شمار می‌آیند.

فرصت‌های خیر

در کلام امیر مؤمنان (ع) آمده بود: «فرصت‌های خیر را دریابید» فرصت‌ها فراوان است. ولی از

این میان می‌بایست در پی فرصت‌های خیر بود. فرصت‌های خیر کدام است؟ فرصت‌هایی خیرند

که در راستای وظیفه الهی باشند و رنگ و بوی خدایی به خود بگیرند. فرصت‌هایی تجارت‌آور

و ماندگار باشند نه سرمایه‌سوز. آیه ۳۶ سوره شوری شاهد مناسبی در تبیین این موضوع است.

فَا أُوتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَأْتُوا الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى.

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است. مقام معظم رهبری در توضیح آیه شریفه خطاب به نمایندگان فرمود:

این فرصت‌ها، این مسئولیت‌ها، این شأن‌ها و موقعیت‌هایی که گیر من و شما می‌آید، ... اگر هدف... همین شأن ظاهری و برخورداریهای ظاهری باشد... بدون شک سرمایه‌ها کلاه رفته است؛ چون ما در مقابل آنچه می‌گیریم، چیزی می‌دهیم. شما در طول مدت عمرتان هیچ چیز را یکجانبه نمی‌گیرید؛ چیزی می‌گیرید، چیزی می‌دهید. آنچه می‌گیریم همین چیزهایی است که در طول زندگی گیر ما می‌آید. از علم، از معنویت، از پول، از مقام، از جلوه‌گری در چشم مردم، از محبوبیت و غیر اینها آنچه می‌دهیم از همه اینها مهمتر است و آن، عمر و زندگی ماست؛ «أَنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ خَسِرٌ». (عصر: ۲) ما در مقابل همه دستاوردهای خود، چیزی را داریم به طور مستمر و بی‌وقفه تحویل می‌دهیم و آن، مدت مهلت و فرصت ما در این دنیاست؛ این دارد تمام می‌شود. سرمایه اصلی دارد ذره ذره کم می‌شود؛ مثل یخی که انسان در دستش بگیرد و آب شود. این سرمایه را باید به سرمایه تبدیل کنیم. شما در باب مسائل اقتصاد کلان کشور می‌گویید نفت استخراج شده سرمایه ملی است و نباید آن را خرج خوراک روزمره بکنیم؛ باید به یک سرمایه ماندگار تبدیل کنیم. عین همین قضیه در مورد شخص من و شماست. یک سرمایه تجدید ناشدنی - یعنی عمر - را داریم می‌دهیم؛ باید در مقابل آن یک سرمایه بگیریم تا برای ما بماند. این جاه و جلال، این محبوبیت، این موقعیت سیاسی و این پول برای انسان نمی‌ماند؛ آنچه می‌ماند، «ما عند الله» است؛ این «خیر و ابقی» است؛ این ماندنی است.^{۱۰}

عرصه‌های فرصت

فرصت‌های خوب همه جا هستند، از جمله در اطراف ما، تنها کافی است نگاهی به خود و اطراف خودمان بیندازیم و وقتی آنها را شناختیم با فرصت‌سوزی از دست ندهیم. در آموزه‌های دینی، هادیان دلسوز الهی که چون شمع خود را فدای امت کردند، به برخی از این عرصه‌ها اشاره کردند و به علت واضح بودن آنها، در حقیقت به ما هشدار داده و پرده غفلت را از جلو دیدگانمان برداشته‌اند. رسول خدا(ص) در سخنی دلنشین به ابابدر چنین فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ إِغْنَمْنَا قَبْلَ حَمْسٍ، شَبَابِكَ قَبْلَ هَرْمِكَ وَصِحَّتِكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَفِرَاغِكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَحَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.^{۱۱}

ای ابوذر پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی‌ات را قبل از پیری، سلامتی‌ات را قبل

از بیماری، بی‌نیازی‌ات را قبل از فقر و تنگدستی، فراغ‌بالت را قبل از گرفتاری و زندگی‌ات را قبل از مردن.

در این کلام به پنج عرصه جوانی، سلامتی، بی‌نیازی، فراغت و حیات اشاره شده است، و هر کس این پنج عرصه را دریابد سرمایه زندگی‌اش را به تجارتي پرسود تبدیل ساخته و به «ما عند الله خیر و ابقى» وصل شده است.

۱. عرصه جوانی: انرژی جوانی اکسیری است که در یک برهه از عمر آدمی ظهور و بروز دارد. سنین بین دوران نوجوانی و کهنسالی، تقریباً از دوران بلوغ تا چهل سالگی. در این دوره، بدن‌ها پرنرژی و خستگی‌ناپذیر و آماده انجام هر کاری است و ذهن و قلب‌ها با فراغت بال و نداشتن مشغله، پذیرای دریافت هر مطلبی است. دوره جوانی دوره حساسی است. عارفان، دانشمندان و ثروتمندان، غالباً از فرصت‌های جوانی خوب بهره‌گرفته‌اند. دوره جوانی سگوی پرش است به شرط آن که جوان، به هر کس و هر مطلب و غریبه‌ای اعتماد نکند و افسار عقل و اندیشه را به دست اسب چموش هوس نسپرد.

امیر مؤمنان (ع) در نامه‌اش به امام حسن (ع) فرمود:

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ^{۱۲}

همانا قلب جوان چونان زمین کاشته نشده، پذیرای هر بذری است که در آن پاشیده شود. بهترین برهه دانش‌پژوهی، کار و تلاش، پاکدامنی و... همین دوران است. همچنان که مقام معظم رهبری فرمود:

همه جوانان را به قدردانی از فرصت بی‌نظیر جوانی و حفظ پاکدامنی و عفت و تلاش و کار در

این دوران بی‌نظیر و درخشان عمر آدمی توصیه می‌نمایم.^{۱۳}

قدرت کسب علم و دانش پژوهی، که خود عرصه رهیافت به کمال و بندگی و قرب الهی است، بهترین گوهر گرانبهای دوره جوانی به شمار می‌رود.

امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) روایتی بیان می‌کند که جوانان را به دانش‌پژوهی فراخوانده و

آنان را از بر باد دادن عمر در راه خوشگذرانی و بیهوده‌گرایی برحذر داشته است. فرمود:

أَعْدُو عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَ آيَاكَ أَنْ تَكُونَ لَاهِيًا مُتَلَذِّدًا.^{۱۴}

یا دانشمند باش و یا دانش‌پژوه! و پرهیز از اینکه عمرت را در بیهودگی و خوشگذرانی سپری کنی.

دریاب که ایام گل و صبح جوانی چون برق کند جلوه و چون باد گریزد

۲. دومین عرصه‌های فرصت‌ها که پیامبر (ص) به آن سفارش فرمود، سلامتی است. سلامتی

از نعمتهای بزرگ خداوند است. با قدرت سلامتی است که آدمی می‌تواند به کار و تلاش و

عبودیت بپردازد. انسان بیمار که قدر سلامتی را خوب می‌داند، بیشتر در اندیشه خلاصی از بیماری است، و چون ماهی که از آب حیات بیرون افتاده، غبطه سلامتی را می‌خورد.

۳. بی‌نیازی و دارایی از دیگر عرصه‌های قابل بهره‌برداری است. دستگیری از مستمندان، نجات فقیران و مسکینان، یاری هم‌نوعان، خدمات اجتماعی و... از انسانهای با مکتب و ثروتمند ساخته است، نه انسان فقیر و تنگدست که به نان شب خویش محتاج است.

۴. فراغت بال و گرفتار مشاغل متعدد نشدن، بهترین عرصه‌ای است که انسان می‌تواند با بهره‌گیری از آن هم سری به خود بزند و هم به جامعه، و با همنشینی اهل تجربه و سرد و گرم دنیا چشیده، چشم‌انداز آینده خود را در شکار فرصت‌ها ترسیم کند.

امیر مؤمنان (ع) فرمود: «با مردان آزموده و اهل تجربه همنشین باش، چه اینان متاع پراچ تجربه‌های خویش را با گران‌ترین بها - یعنی فدا کردن عمر خویش - به دست آورده‌اند و تو با ارزان‌ترین قیمت به دست می‌آوری.»^{۱۵}

۵. سرمایه عمر و حیات بالاترین فرصت است که نباید بیهوده تلف شود. این سرمایه باید به سرمایه‌ای جاودان تبدیل گردد و گرنه خسران بزرگی نصیب صاحبش می‌کند.

فرصت خدمت‌رسانی نیز از عرصه‌هایی است که همیشه در دسترس نیست. گاه مدیریت در پستی، فرصت بسیار مناسبی برای خدمت به مردم فراهم می‌آورد. این فرصت‌های پیش آمده را نباید به آسانی از دست داد.

روزی صفوان در محضر امام صادق (ع) بود. مرد گرفتاری از اهل کوفه وارد شد و شرح گرفتاری خود را داد. امام (ع) به صفوان فرمود: برخیز و مشکلت را حل کن. صفوان به دستور امام عمل کرد و مشکل او را برطرف نمود. وقتی به محضر امام رسید، آن حضرت فرمود: ای صفوان! این خدمت که در حق برادرت کردی، ثوابش در پیشگاه خدا از هفت طواف گرد خانه خدا بیشتر است.^{۱۶}

امام صادق (ع) فرمود: از رسول خدا (ص) سؤال شد: چه کسی نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: «أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ»^{۱۷} آن کس که نفعش بیشتر به مردم می‌رسد.

عرصه‌های دیگری چون جهاد در راه خدا، جهاد فرهنگی، فرصت‌های عبادی، مالی و... وجود دارد که از حوصله این مقاله بیرون است.

شرایط بهره‌گیری از فرصت‌ها

۱. درخواست توفیق الهی: در زندگی همه ملت‌ها و بلکه در زندگی هر انسان، فرصت‌هایی پیش می‌آید که اگر توفیق خدا هم به کمک آن ملت و فرد بیاید، عقل و هوش او برانگیخته می‌شود و

از آن فرصت‌ها بیشترین استفاده را می‌برد، اما اگر خداوند توفیق ندهد، فرصت‌ها از دست می‌روند و غالباً هم به آسانی و به زودی تجدید نمی‌شوند.^{۱۸}

در دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُرِجَاتِ رَحْمَتِكَ»^{۱۹} خدایا از تو درخواست دارم سبب‌های رحمت خود را به من عطا کنی.

نزول رحمت الهی بر بنده‌ای، موجب توفیق او در استفاده از فرصت‌ها می‌شود.

۲. نظم و انضباط و تقسیم اوقات؛ نظم در زندگی انسان، توفیق استفاده بهینه از فرصت‌ها را جلب می‌کند و به وقت‌ها برکت می‌بخشد. از این رو امیر مؤمنان (ع) «نظم» را در کنار تقوا قرار داده است:

أوصيكما... يتقوى الله و نظم أمرکم.^{۲۰}

شما را به تقوای الهی و نظم امرتان سفارش می‌کنم.

همچنان که تقوا، نگهدار انسان در پرتگاه‌های زندگی است، نظم در کارها نیز جلوگیری از اتلاف وقت‌ها و فرصت‌سوزی‌هاست.

آدم‌های بی‌نظم، بسیاری از فرصت‌های ناب را از دست می‌دهند. چون آشفته‌حال‌اند و افکارشان به مهره‌های از هم گسیخته‌ای می‌ماند که هر کدام به سویی رفته و برای جمع کردنشان فرصت بسیاری لازم است. سخن امام علی (ع) را که فرمود: «فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَزْرُ»^{۲۱} (یعنی وقتی رشته از هم گسیخته شد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند) می‌توان به رشته و نظم موجود در بین افکار و اطلاعات ذهنی افراد منطبق کرد که چون نظم لازم را به آنها ندهند، نمی‌توانند انسجام پیدا کنند و پراکنده می‌شوند.

نظم در زندگی همانند نخ تسبیح، فرصت‌ها را در جای خود قرار می‌دهد، وقت مطالعه، وقت تفریح، وقت عبادت، وقت کار و تلاش و... همه سر جای خود قرار گرفته است. از این رو امامان بزرگوار با ارائه راهکار تقسیم اوقات ما را راهنمایی کرده‌اند. امیر مؤمنان (ع) فرمود:

مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسم تقسیم کند؛ زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است.^{۲۲}

آفات فرصت‌های طلایی

با توجه به حجم نوشتار، در اینجا تنها به چند آفت مهم فرصت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. غفلت؛ غافل شدن از فرصت‌های گرانبها، خسارت‌های جبران‌ناپذیری در بردارد و نتیجه آن پشیمانی است که آن هم سودی ندارد. قرآن در مورد این غافلان می‌فرماید:

... حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا. (انعام: ۳۱)

(آنان که لقای پروردگار را تکذیب کردند) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می‌گویند: ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم. (مسلماً اینان زیان دیده‌اند.)

۲. کسالت و تنبلی؛ تنبلی و کسالت نوعی بیماری است که موجب بسیاری از ناکامی‌ها و بر باد رفتن فرصت‌های خوب می‌شود و به دین و دنیا ضرر می‌زند. به فرموده امام باقر(ع):

از تنبلی و تنگ خلقی پرهیز زیرا این دو کلید همه زشتی‌هایند، انسان تنبل هیچ حقی را اداء نمی‌کند و کسی که تنگ خلق و بی‌حال است بر هیچ حقی صبر نمی‌نماید.^{۲۳}

۳. تسویف؛ تسویف یعنی امروز و فردا کردن. می‌گوید: حالا وقت هست، بعداً انجام می‌دهیم. و همین موضوع باعث از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود و به قول معروف: «فی التأخیر آفات...».

خار در دیده فرصت مشکن کار امروز به فردا مفکن

امام علی(ع) در نامه‌ای به یکی از یارانش نوشت:

باقیمانده عمرت را دریاب؛ و نگو: فردا و پس فردا! همانا پیش‌تر از تو کسانی که هلاک شدند بدان سبب بود که بر آرزوها و امروز و فردا کردن‌ها ایستادند، تا ناگهان امر خدا فرارسید و آنان غافل بودند!^{۲۴}

۴. یأس و ناامیدی؛ یأس، آتشی است که بر خرمن آرزوها و فرصت‌ها می‌افتد. انسان ناامید با این تصور که همه چیز از دست رفته، به هنگام روی آوردن فرصت‌ها، خود را کنار می‌کشد و تا آنجا پیش می‌رود که به شخص منزوی، بیمار، افسرده و بی‌ارزش تبدیل می‌گردد. از این رو آموزه‌های دینی یأس و ناامیدی را در شمار گناهان کبیره آورده و سخت از آن پرهیز داده‌اند:

وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ. (یوسف: ۸۷)

و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.

امام علی(ع) فرمود:

أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ.^{۲۵}

بزرگ‌ترین بلا، ناامیدی است.

غفلت، تنبلی، تسویف و ناامیدی از آفات و آسیب‌های عمده‌ای هستند که انسان را از

دستیابی به فرصت‌های خوب و طلایی بازمی‌دارند.

نتیجه آن که در زندگی هر انسانی فرصت‌های فراوانی وجود دارد و گاه به گاه نیز پیش می‌آید،

که باید با هوشیاری و تیزهوشی آنها را شکار کند. همچنین با شناسایی عرصه‌ها و بهره‌برداری از آنها و نیز برطرف کردن آفات و موانع، میوهٔ فرصت‌ها را بچیند.

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا تَعْتَرِضُوا هَا. ۲۶

بدانید که در روزهای زندگی‌تان نسیم‌هایی از رحمت الهی وزیده می‌شود، پس بهوش باشید و از آنها بهره‌برگیرید!

پی‌نوشتها:

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸۸، ص ۳۷۰.
۲. نهج‌البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۲۰، ص ۴۰۸.
۳. همان، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۱۴، ص ۲۲۲.
۴. یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۶، ص ۳۷۱، صدر، اول، ۱۳۸۱.
۵. دیدار با نمایندگان مجلس، ۸۱/۳/۷.
۶. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۱، بند ۱۱۳، ص ۵۳۶.
۷. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، بند ۹۵، ص ۵۳۲.
۸. انشراح، آیه ۷.
۹. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۸.
۱۰. دیدار با نمایندگان دورهٔ هفتم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.
۱۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۵۰۵.
۱۲. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، بند ۲۱، ص ۵۲۲.
۱۳. خطبه‌های نماز جمعه، ۶۸/۷/۲۸.
۱۴. مشکوٰۃ الانوار، ص ۱۳۳.
۱۵. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۵.
۱۶. شهید مطهری، داستان راستان، ص ۲۰۳.
۱۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۱.
۱۸. بیانات آیه‌الله خامنه‌ای در جمع مردم جهرم، ۶۸/۴/۱۸.
۱۹. مفاتیح الجنان، ص ۳۷.
۲۰. نهج‌البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۷۷.
۲۱. همان، ص ۴۴۲.
۲۲. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۹۰، ص ۷۲۴.
۲۳. «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَيْءٍ، مَنْ كَسِبَ لَمْ يُوَدِّ حَقًّا وَ مَنْ صَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ.» تحف‌العقول، ص ۲۰۶.
۲۴. «فَتَذَرِكْ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تُثْقَلْ غَدًا وَ بَعْدَ غَدٍ فَإِنَّمَا هَلْكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِأَقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَ التَّسْوِيفِ حَتَّى آتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعَثَتْهُ وَ هُمْ غَافِلُونَ.» میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۵۸۸.
۲۵. میزان‌الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۶۰.
۲۶. بحار‌الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.